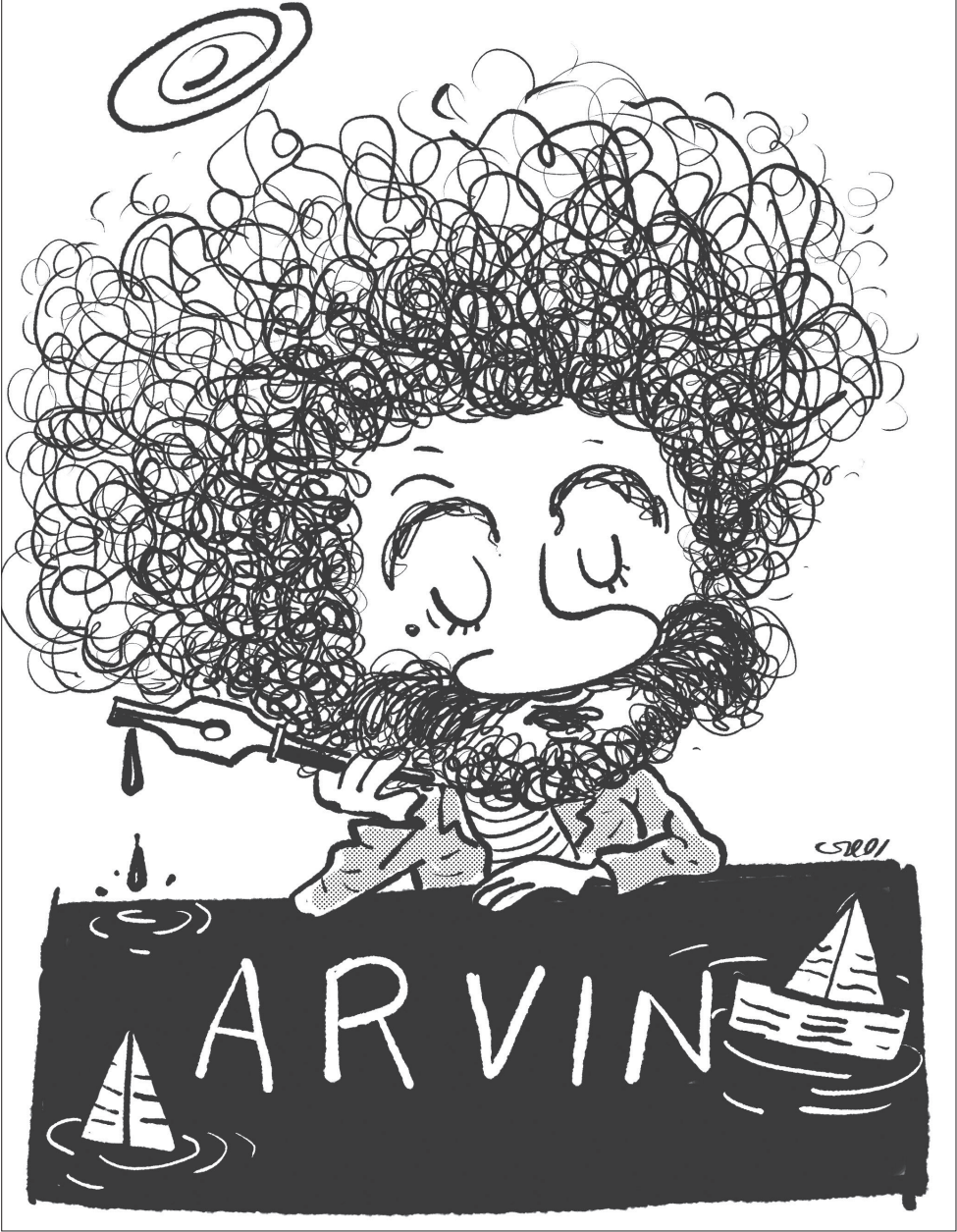




داود احمدی مونس (آروین)،

کار تونیست و طراح ایرانی در ۴۱ سالگی چشم از جهان فروبست!



این ابربحران‌ها و مشکلات مزمن عبور کنند. اینکه به زعم خودشان توانستند ظریف را برکنار کنند به نظرشان اقدام موقفی انجام دادند. اول می‌گفتند ما اسب زین‌شده تحویل دادیم و پزشکیمان سکوت کرد. اما در روز استیضاح همتی واقعیت وضعیت کشور را تشریح کرد و مشخص است چه کسانی کشور را به این وضعیت رساندند. دیروز دیدم یکی از روزنامه‌های آنان کف و سوت زده بود که با کنار زدن همتی، ۱۰۰۰ تومان ارزان شد. مناسفانه حافظه‌شان یاری نمی‌کند که این کاهش‌های هزار تومانی بارها در کشورمان رخ داده اما مسئله این نیست. کشور درگیر ناترازی و مشکلات مزمن است که با سخنرانی و شعارهایی مثل کار جهادی هم عوض نمی‌شود.

او اضافه کرد: «آن‌ها در حال حاضر تلاش می‌کنند جای مقصر را عوض کنند. چون تحت فشار افکار عمومی هستند برای اینکه دولت و مجلس یکدست تشکیل داده بودند. نه توانستند موضوع تحریم را حل کنند نه مشکلات دیگر را. الان هم حاضر هستند برای نجات خود، به حیثیت و سرمایه اجتماعی کشور ضربه بزنند. به قول معروف از این ستون به آن ستون فرج است. همین اتفاقی که بین زلنسکی و ترامپ افتاد چقدر آن‌ها را شارژ کرد؟ در حالی که ما باید دغدغه این را داشته باشیم که هر اتفاقی در غزه و بحران اوکراین می‌افتد، مسائل ما را پیچیده‌تر می‌کند. عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت تاکید کرد: «قبلاً اگر باید خودمان را مثلاً با چین و روسیه تنظیم می‌کردیم، الان باید فاکتورهای مختلفی را در نظر بگیریم که پیچیده‌تر از قبل هستند. ۶ ماه آینده شرایط حساسی را برای ما رقم می‌زند که اگر نتوانیم طی دو تا سه ماه آینده به جمع‌بندی برسیم و این کار در دست‌انداز بقیه، پیچیدگی‌های شرایط کشور بیشتر خواهد شد. وقتی تجربه کردیم و دیدیم که چین و هند هم با یک تهدید طرف مقابل از ما نفقت نمی‌خرند و حتی همین وضع موجود را نمی‌توانیم حفظ کنیم، وقتی در دولت بایدن هم پول‌هایمان جلیج‌شد اما باز دسترسی‌مان را از دست دادیم، در دولت ترامپ چه وضعیتی خواهیم داشت؟ پزشکیمان گوشه‌ای از این وضعیت را در مجلس گفت. به هر حال دوستان حاضر نیستند بپذیرند کار از جایی خراب شد که قطعنامه‌ها را کاغذپاره خوانند. از آن زمان تا امروز، این دوستان تصمیمات اصلی را گرفتند اما دنبال شریک پیدا کردن برای وضعیتی هستند که ساخته‌اند. امروز گزارش‌ها دلار را به همتی نسبت می‌دهند، فردا ببینیم وزیر جدید چه می‌کند. ناترازی برق حل می‌شود؟ کمبود گاز سال آینده حل می‌شود؟ کشور را به نقطه پیچیده‌ای رساندند و اجازه هیچ تحول و تغییری هم نمی‌دهند که مسیرهای دیگر هم بررسی شود تا شاید کشور از این گرفتاری بیرون برود.»

برجام در کارنامه ظریف کافی است

سیدجلال ساداتیان، سفیر پیشین ایران در انگلستان در تحلیل اهمیت حضور ظریف در دولت پزشکیان به هم‌میهن گفت: «ما در کشورمان خیلی با نخبگان سر سازگاری نداریم. این موضوع سابقه تاریخی دارد و صرفاً مربوط به آقای ظریف نیست. وقتی امیرکبیر کشته شد، مشخص شد چه خدماتی داشت و چه کارهایی می‌خواست انجام دهد و در مقابل چه کسانی چشم دیدن او را نداشتند و چه خیانت‌هایی به کشور کردند. در تاریخ ما بودند کسانی که نمی‌توانستند افراد بزرگ‌تر از خود را ببینند. ظریف که امروز درباره او صحبت می‌کنیم، حدود پنج دهه قبل کار خود را به عنوان کارمند محلی در آمریکا شروع کرد، کم‌کم رشد کرد و بالا آمد. درست است که خانواده‌اش متمول بودند و او را برای درس خواندن به خارج از کشور فرستادند. اما توانست رشد کند، زبان و محیط بین‌المللی را بشناسد و کارهای بزرگی انجام دهد. ظریف هیچ کاری در زندگی‌اش نکرده باشد، همان برجام برای او کافی است. برجامی که باعث شد ایران از جنگ دور شود. چون هیچ تردیدی وجود نداشت که ممکن است ایران علاوه بر بند تحریم‌های فصل هفت، ذیل بند اقدام نظامی قرار بگیرد و مورد هجوم قدرت‌های بین‌المللی و نه فقط آمریکا واقع شود.»

او تاکید کرد: «این توافق به وجود آمد و به خاطر پیچیدگی حقوقی هم که داشت، آمریکایی‌ها به‌رغم تمام فشاری که آوردند نتوانستند قطعنامه‌های شورای امنیت را بازگردانند. حالا در این شرایط، چون فرزندان فردی مثل ظریف در آمریکا به دنیا آمدند و تابعیت قهری حاصل از خاک دارند، باید این فشارها اتفاق بیفتد؟ از دیگران ایراد گرفتند اما ظریف که دوش به دوش آقای پزشکیان کمک او کرد تا رئیس‌جمهور شد، این طور مورد بغض واقع شده و به شکل‌های مختلفی فشار وارد می‌کنند که او را از دولت پزشکیان بگیرند. ظریف به هر حال یک مذاکره کننده قوی و یک تحلیلگر قوی در حوزه روابط بین‌الملل است که شرایط جهان را می‌شناسد. سوابق و تخصص‌اش نشان می‌دهد در این دولت می‌تواند موثر واقع شود و اگر یک روز بخواهند مذاکره کنند، به عنوان یک مشاور ارشد یا مذاکره کننده بتوانند نقش آفرینی کنند. در چنین شرایطی، می‌خواهند او را حذف کنند و هر تهاجمی علیه پزشکیان می‌کنند که او هم نتواند از این قضیه دفاع کند و نیروی مناسبی کنار خودش نداشته باشد.»

ساتداتیان تاکید کرد: «امیدوارم روزی برسد منافع ملی را سر دعوای ختلی پایمال نکنیم. همه می‌فهمند در حال حاضر چه فشاری بر دولت پزشکیان وارد می‌کنند. این قصه از روزی اوج گرفت که فرد منتسب به رئیس‌مجلس را از صندوق باننشستگی برداشتند و آقای قالیباف هم این موضوع را کلی زد. بعد از آن بود که بهانه بیش از قبل دست‌پاگیری‌ها را می‌دیدیم. اگر دیدید افراد توانمندی که در نهایت رئیس قوه قضائیه به ظریف بگویی بروید دانشگاه. حالا ببینیم آقای رئیس‌جمهور در این موضوع چه می‌کند. چون به اعتقاد من بخشی از مشکل مربوط به شخص آقای پزشکیان است. ایشان وفای را بد فهمیده و بد اجرا می‌کنند. این وفای نیست که فکر کنیم دولت شرکت سهامی است، هر طور هم بخواهند در کسبه‌ات بگذارند و حتی توراتحمل نکنند. توه به آن‌ها یا بدهی و آن‌ها هم اعتنایی به تونداشته باشند. این وفای نیست. اگر دیدید افراد توانمندی وجود دارند که می‌توانید آن‌ها را به کار بگیرید، خیلی هم خوب است. هیچ کس به آن ایراد نمی‌گیرد. اما اینکه هر که را می‌خواهند به شما تحمیل کنند و تحمل نیروهای اصلی شما را نداشته باشند، همتی را بزنند و سراغ وزیر کار و دیگران برونند، هیچ کدام معنی وفای نمی‌دهد.»

این تحلیلگر ارشد سیاست خارجی یادآور شد: «آقای پزشکیان باید محکم بایستد و حرفش را به مردم بزند. بگوید چه بخواهیم مذاکره کنیم و چه نخواهیم، با این کابینه و تیم می‌توانیم کار را پیش ببریم. مذاکره با عدم مذاکره تابع شرایط دیگری است. اما اینکه طرف مقابل با داد و فریاد کردن بخواهد دیپلماسی کشور را تحت تأثیر قرار بدهد و دولت را از جهات مختلف تحت فشار بگذارد، کاری پیش نمی‌رود. دولت باید تابع منافع ملی باشد و در این مسیر از بهترین نیروهایی که دارد استفاده کند. اینکه نیروهای متخصص را خانه‌نشین کند و عده‌ای را به نام انقلابی به دولت تحمیل کند، کاری از کشور پیش نمی‌برد.»

ظریف در بخش دوم پیام خود، علت کناره‌گیری را نیز اعلام کرد: «دیروز [یکشنبه] به دعوت ریاست محترم قوه قضائیه به دیدار ایشان رفتم. ایشان با اشاره به شرایط کشور توصیه کردند که برای پیشگیری از فشار بیشتر بر دولت، به دانشگاه بازگردم. بنده نیز بی‌درنگ پذیرفتم که همواره خواسته‌ام یار باشم و نه بار. با سپاس فراوان از ایشان که بار مسئولیت در برابر خدا و مردم را از دوش بنده برداشتند، امیدوارم با کنار گذاشتن بنده، بهانه‌های برای سنگ‌اندازی در برابر خواست مردم و موفقیت دولت نداشته شود. هنوز به پشتیبانی از دکتر پزشکیان گرانقدر می‌بالم و برای ایشان و دیگر خدمتگزاران راستین به مردم بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. از پیشگاه خداوند بخشایشگر و شما مردم خوب، صبور و قدر دان ایران، برای همه کاستی‌ها پوز می‌خواهم.» فرزندان محمدجواد ظریف به علت تولد در ایالات متحده، دارای تابعیت این کشور هستند که بر اساس قانون نحوه انتصاب افراد در مشاغل حساس، منع قانونی برای انتصاب ظریف به وجود آورده بود. این قانون محصول مجلس یازدهم و دولت سید ابراهیم رئیسی بود که واکنش‌های زیادی نیز برانگیخته است چون حجم بالایی از نیروی انسانی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واکنش سخنگوی دولت به استعفاي ظریف

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در گفت‌وگویی که روز گذشته با ایرنا داشت، توضیحاتی تکمیلی درباره استعفاي ظریف و مشکلات قانون مشاغل حساس مطرح کرد. او گفت: «همه ما به قانون پایبندیم و اجرای آن بر ما واجب است اما نکته اینجاست که براساس ماده ۲ قانون نحوه انتصاب افراد در مشاغل حساس، کشور حجم زیادی از سرمایه‌های انسانی خود را از دست می‌دهد.» او درباره ظریف نیز خاطر نشان کرد: «آقای ظریف استعفاي خود را تقدیم رئیس‌جمهور کرده‌اند اما یک طرف استعفا پذیرش آن است که هنوز پذیرشی از سوی دکتر پزشکیان انجام نشده است؛ امیدواریم که تصمیم‌گیری‌ها و فرایندها به گونه‌ای طی شود که امکان استفاده از تمام ظرفیت‌های کشور در جهت مزین و صلاح مردم انجام شود. موضوع این قانون تنها دولت نیست و موضوع خارج از آن نیز است. ما چند عضو دولت نیستند چرا که این قانون امکان استفاده از ظرفیت نخبگان در شایستگی‌ها در تمام بخش‌ها از جمله عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها را نیز سلب می‌کند.» سخنگوی دولت در بخش دیگری از این گفت‌وگو به موضوع برکناری همتی از وزارت اقتصاد اشاره کرد و گفت: «معتقدیم که استیضاح حق مجلس شورای اسلامی است؛ مجلس هم شأن قانونگذاری دارد و هم شأن نظارتی اما همان طور که رئیس‌جمهور هم تاکید کردند مسائل اقتصادی کشور یک‌شبه به وجود نیامده‌اند که یک‌شبه حل شوند.» مهاجرانی با یادآوری این نکته که دولت تاکید بر حضور یک فرد ندارد، اظهار داشت: «افراد می‌آیند و می‌روند و چه‌بسا برداشتن مسئولیت از دوش آنها برایشان راحت‌تر نیز باشد اما طبیعی است که بازار واکنش خوبی نسبت به استیضاح آقای همتی نداشت و این موضوع را امروز در ریزش شاخص بورس و برخی دیگر از نوسانات بازار، شاهد بودیم. معتقدیم که اگر چه قانون مشخصی برای این موضوع وجود ندارد اما ۶ ماه به‌هیچ‌وجه زمان کافی و مناسبی برای محک زدن یک وزیر نیست. در حال حاضر نیز با انتصاب آقای اکرمی به عنوان سرپرست وزارت امور اقتصاد و دارایی، تلاش دولت بر این است که شیرازه امور اقتصادی را کاملاً حفظ کند.» مهاجرانی با تاکید بر اینکه «مصالح مردم و جامعه» اولویت اصلی این دولت است، گفت: «سیاست‌های اقتصادی، مبتنی بر تصمیم یک فرد نیست بلکه به صورت جمعی و شورایی اتخاذ می‌شود و لذا رفتن یک فرد مسئله‌ای را حل نخواهد کرد. درست است که به‌عنوان مثال تصمیمی که توسط دولت سیزدهم اخذ می‌شود متفاوت از تصمیم دولت چهاردهم است چرا که جمع افراد متفاوت است ولی اینگونه نیست که بگوییم اگر آقای همتی نباشد مشکلات اقتصادی به پایان می‌رسد چرا که اساساً بسیاری از این مشکلات ریشه در مسائل دیگری دارد که آقای رئیس‌جمهور نیز در مجلس به برخی از آن‌ها اشاره کرد.» سخنگوی دولت با تقدیر از تلاش‌های وزیر امور اقتصاد و دارایی، تصریح کرد: «ادعا نمی‌کنیم که نمایندگان مجلس براساس تسویه حساب شخصی و یا مسائلی از این دست، اقدام به استیضاح کرده‌اند، ان‌شالله که این کار بر مبنای خلوص نیت و منافع ملی مردم ایران صورت گرفته باشد.»



مجلس به دوران خالص‌سازی بازگشته است

سید محمود میرلوحی، معاون پارلمانی وزارت کشور در دولت خاتمی، راجع به فشارها به پزشکیان از طریق هدف گرفتن نیروهای دولت، به هم‌میهن گفت: «فضایی در انتخابات ایجاد شد و پزشکیان در این شرایط خاص توانست در مرحله اول با مشارکت زیر ۴۰ درصد به مرحله دوم برود و با مشارکت ۴۹/۹ درصدی در پیروزی برسد. این انتخابات پیام روشنی داشت. موضع جامعه رای دهندگان کاملاً مشخص بود که از وضع موجود راضی نیستند. ۵۰ درصد هم که نیامدند به راحتی می‌شود گفت به رای دهندگان آقای جلیلی و اصولگرایان نزدیک نیستند و مطالبات‌شان از آن ۵۰ درصدی که شرکت کردند نیز بالاتر است.» او تاکید کرد: «مناسفانه جریان پایداری که امروز در مجلس میدان‌داری می‌کند فاصله زیادی دارند با رای دهندگان به آقای پزشکیان و آن ۵۰ درصدی که در انتخابات حضور نداشتند. پزشکیان به این جمع‌بندی رسید که با وفای و دعوت از آن‌ها، سپردن مسئولیت‌های مختلف در استانداری‌ها و وزارتخانه‌ها و در نهایت توقف جایگزینی نیروهای مد نظر خود در دولت، کار را پیش ببرد. در حال حاضر نیز به نظر ما این وضعیت انتصابات مختلف در معاونت و وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها که آن‌ها مشاغل حساس می‌خوانندش، قفل شده است. به‌رغم این که بسیاری منتخبین پزشکیان اصلاح‌طلب‌تالپاوار نبودند و به خط میانه تعلق داشتند، آن‌ها را نپذیرفتند. مجلس هم خیلی زود به سر جای اول خود برگشت انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته است. انگار همچنان در بر پاشنه خالص‌سازی می‌چرخد. مطالبات تندر و هوای مجلس از دولت حداکثری شده و حتی همان قول‌های حداقلی پزشکیان را بر نمی‌تابند. با اینکه مدعی بودند در مشارکت پایین پیروز هستند و کار خود را پیش می‌برند. اما همچنان مناسفانه چون رسانه ملی، تریبون‌ها و بعضی دستگاه‌های خاص در اختیارشان است، کار را به این شکل که می‌بینید، پیش می‌برند. انتقام نتیجه انتخابات را می‌گیرند.» میرلوحی تاکید کرد: «این جریان وقتی مرحوم آقای رئیسی سر کار آمدند، تا دو سال همواره می‌گفتند تقصیر قبلی هاست و هنوز دولت روحانی را رها نمی‌کنند. الان هم احساس زرنگی می‌کنند که می‌توانند بگویند در این ۶ ماه همه مشکلات به وجود آمده است. اما اشتباه می‌کنند. پزشکیان آخرین فرصت کشور است. آخرین فرصت کشور و نظام است برای اینکه بتوانند از



ابوموسی از من برنگشت

سفرنامه ابوموسی «قسمت آخر»

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

از ابوموسی برگشتم. حکایت این سفر با همه سفرهایی که رفته‌ام فرق دارد. حلوای تن تنانی است که حقیقتاً تا نخوری ندانی. گاهی در طبیعت جزیره و کنار دریا صحنه‌هایی می‌دیدم که حاضر بودم از سال‌های عمرم کاسته شود و تا همیشه آنجا باشم. گاهی اما خلوت و غربت جزیره جوری بیخ گلویم می‌نشت که نمی‌خواستم ثانیه‌ای بیشتر آنجا بمانم. بدی ماجرا این بود که خروج و ورود به جزیره دست خوانده بودم که «این جزایر (ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک) نه مسائل ژئوپلیتیک خیلی سر در نمی‌آورم. یک جایی به نقل از مرحوم داود هرمیداس باوند خوانده بودم که «این جزایر (ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک) نه جدیداً کشف و نه رها شده بودند. در هشتم آذر ۱۳۵۰ با قراردادی که به میانجیگری بریتانیا میان دولت ایران و شیخ شارجا بسته شد، حاکمیت ایران بر جزیره ابوموسی به رسمیت شناخته شد و در ۹ آذر، یک روز قبل از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه و دو روز قبل از تشکیل رسمی امارات، نظامیان ایران وارد سه جزیره شدند. به موجب موافقتنامه شارجا، ایران متعهد شد که به مدت ۹ سال، سالانه یک و نیم میلیون لیره به شیخ شارجا بپردازد. مطابق این تفاهنامه، دو جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک به ایران بازپس داده شد و در مورد ابوموسی، توافق شد که «حاکمیت مشترک ایرانی - شارجا» بر آن اعمال شود.» از آن طرف در ابوموسی بین حرف‌های اهالی جزیره و در میان اطلاعات جسته و گریخته شنیدم که موقعیت ابوموسی به لحاظ جغرافیای سیاسی موقعیت ویژه‌ای است. این ویژه بودن یکی به لحاظ منابع طبیعی و دومی به خاطر عمق آب‌های خلیج فارس در اطراف جزیره است که به نوعی این محدوده را شاه‌راه کشتی‌های تجاری کرده است. با این همه از لحظه پیاده شدن از هواپیما و ورود به جزیره دانستم که این گوهر ناب اینقدر در سکوت انزوا رز و شب می‌گذراند. جالب اینجاست که با هر کدام از اهالی آنجا که حرف بزنم به آینده روشن منطقه امیدوارند. امیدی که کم‌کم خسته و افسرده حال‌شان کرده است. به جرأت می‌گویم که هر کدام از ساکنان جزیره هر لحظه در ذهن‌شان نقشه پیشرفت ابوموسی را در ذهن و ضمیرشان ترسیم می‌کنند. فقط کافی است یک نفر را در خیابان پیدا کنید و سوالی در خصوص راه‌های توسعه جزیره بپرسید. به ثانیه نکشیدید سخنرانی قرائی در باب توسعه جزیره برایت ارائه می‌دهد؛ ارائه‌ای که مرجع حقیقی خودش را پیدا نمی‌کند. من از ابوموسی برگشتم اما ابوموسی از من برنگشته است.

